

تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی دانشجویان دانشگاه پیام نور خراسان جنوبی*

محمدحسن شربتیان^۱

اعظم احمدی^۲

چکیده

شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مسأله پژوهش حاضر بررسی جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور خراسان جنوبی است. آنتونی گیدنز به اثرگذاری دو عنصر بازاندیشی و سبک زندگی در وضعیت شهروندی پرداخته است، که در این مقاله به عنصر بازاندیشی و تأثیر آن بر وضعیت شهروندی می‌پردازیم. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش طبقاتی سیستماتیک و تعداد حجم نمونه ۳۷۳ نفر بوده است. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون‌های فرضیات، متغیرهایی چون "جنسیت، محل سکونت، پایگاه اجتماعی- اقتصادی" در سطوح بیان شده بر گرایش به حقوق برابر شهروندی اثر نگذاشته است و متغیر بازاندیشی از مهمترین متغیرهای اثرگذار در گرایش به حقوق برابر شهروندی در بین دانشجویان می‌باشد.

کلید واژه: بازاندیشی، جامعه‌شناسی، دانشجویان، شهروندی.

* تاریخ وصول: ۹۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۲۵

۱- گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران. sharbatian@gmail

۲- گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران. azam.ahmadi360@gmail.com

۱- مقدمه

فلاسفه و حکما و پس از آن جامعه‌شناسان به منظور ایجاد نظمی پایدار در زندگی مردم به موضوع جمعیت و کیفیت آن توجه خاصی نشان داده‌اند. «آنان براین باورند که یکی از ارکان مهم قوام هر حکومت، مردم و به عبارت دیگر شهروندان آن جامعه هستند و به همین دلیل به مفهوم شهروندی و مباحث مربوط به آن علاقه نشان داده‌اند و مسایلی را مورد توجه قرار داده‌اند که در ایجاد جامعه‌ای با شهروندان منضبط و کوشا، اثرگذار است» (زارع، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

مفهوم شهروند و شهروندی از مفاهیمی است که از دیرباز تاکنون مطرح بوده و سیر تکامل خود را در ادوار و جوامع مختلف، طی نموده است. این مفهوم که حاصل مدنیت و پیشرفت پایدار جوامع بوده است از رهیافت‌های گوناگون توسط مکاتب مختلف اجتماعی، فلسفی، سیاسی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در بررسی و مطالعه مفهوم شهروندی، همواره یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی به چشم می‌خورد. مفهوم شهروندی علاوه بر زمینه‌های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسائل سنتی نظری جامعه‌شناسی، مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. اخلاق مدنی، همچنین مستقیماً با تغییرات هویتی و تصوراتی مرتبط است که شهروندان نسبت به خود و دیگر شهروندان دارند.

۲- طرح مسأله

مطالعات جمعیتی-اجتماعی دلالت بر این دارند که در سال ۲۰۰۸ نسبت بالایی از جمعیت به ویژه در کشورهای رو به توسعه به نقاط شهری مهاجرت کرده‌اند. این بدان معناست که شاخص‌های شهرنشینی بیش از هر زمانی در گذشته افزایش یافته است. پیدایش چنین وضعیتی، خود بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع تأثیر فراوان بر جای گذاشته است؛ به نحوی که در آن، در بسیاری از جوامع الگوهای مصرف و استانداردهای زندگی اجتماعی بسیار تغییر کرده‌اند. گسترش روز افزون شاخص شهرنشینی در سطح جهان موجب شده، بسیاری از استانداردها و معیارهای مربوط به شهروندی به مخاطره افتد؛ به نحوی که در آن امنیت اجتماعی-اقتصادی و حتی امنیت ملی نیز در ابعاد مختلف مورد تهدید قرار گیرد. عامل عمده چنین وضعیتی، عمدتاً افزایش جمعیت به ویژه در کشورهای رو به توسعه طی دهه‌های اخیر بوده است. «شهروندی^۱، عضویت کامل یک فرد در جامعه، با تمام حقوق و مسؤولیت‌ها است. شهروندی دارای ماهیت دوگانه اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اجتماعی به این نکته اشاره دارد که شهروندان

چگونه باید با یکدیگر تعامل کنند، در حالی که جنبه سیاسی آن به تعامل شهروندان با دولت اشاره دارد. گرچه هر دو جنبه برای یک شهروند جهت مشارکت در یک جامعه دموکرات اساسی هستند، مطالعات شهروندی به عنوان یک فضای میان رشته‌ای زمینه تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی را با تفکر درباره تأثیرات آن پدید آورده است» (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

جدابیت شهروندی صرفاً به خاطر منابعی نیست که به فرد می‌رساند. شهروندی همواره یک ایده‌ی دو جانبه و بنابراین، یک ایده‌ی اجتماعی است. قابل تصور است که یک جامعه بتواند بدون بیان رسمی حقوق به درستی کار کند اما به سختی می‌توان وجود یک جامعه انسانی با ثبات را بدون وجود حس تعهد میان اعضایش تصور کرد. بنابراین حقوق شهروندی مبنای عالی برای اداره امور انسان به شمار می‌رود و زندگی آنها که از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا صرفاً یکی از هویتشان تعیین می‌شد به وسیله شهروندی تعیین می‌شود، چراکه شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه سیاسی اساسی انسان‌ها را، که هگل آن را نیاز به رسمیت شناخته شدن می‌نامد، ارضا نماید (ویلیام، ۱۹۹۷)؛ به نقل از هزار جریبی و همکار، ۱۳۹۰).

شهروندی در حیات اجتماعی انسان‌ها هرگز پدیده‌ای واحد و یکپارچه نبوده و معانی متعددی را به خود اختصاص داده است. در تحول تاریخی، می‌توان نخستین مظاهر شهروندی را در بین‌النهرین و در تمدن سومر یافت (پیران، ۱۳۸۰ به نقل از شیانی ۱۳۸۸: ۴۰).

در روم باستان شهروندی در معنای کاملاً جدید، دیگر به عضویت در دولت - شهر وابسته نبود و به طور قابل ملاحظه‌ای افراد خارج از آن محدوده را نیز در برمی‌گرفت (برخورداری و همکار، ۱۳۸۷: ۴۰). پس از فروپاشی امپراطوری روم، اهمیت شهروندی بیش از پیش کاهش یافت. کلیسا جایگزین وفاداری و هدایت اخلاقی جامعه سیاسی گردید. محوریت حقوق با انتشار اعلامیه حقوق بشر و شهروند در ۱۹۷۹ تثبیت گردید. در بطن انقلاب فرانسه، «برداشت نوینی از شهروندی در خدمت به ملت از طریق نمایش فضیلت مدنی و تعهد نظامی پدیدار گردید و آزادی و برابری با برادری توأم شد (فالكس^۱، ۱۳۸۱: ۴۸-۴۷). در مرحله بعد، پدیده جهانی شدن وضعیت شهروندی ملی را دگرگون کرد و تحولات ساختاری مهمی را به وجود آورد. این تحولات مرزهایی را که دولت بر آن متکی بود، نامشخص ساخت و شهروندی را به مفهومی جهانی و فراملیتی تبدیل کرد.

در اواخر قرن بیستم، پدیده جهانی شدن، وضعیت شهروندی ملی را به چالش کشیده است. با وجودی که قدمت شهروندی جهانی به اندیشه‌های سقراط و کانت بازمی‌گردد، اما این ایده بار دیگر با

تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دهه‌های اخیر احیا گردید. به تعبیر برایان اس ترنر^۱ (۱۹۹۰)، تحولات عمده در ساختار جهان معاصر، دو فرآیند متضاد را در خود جای داده است؛ از یک سو به سمت خودمختاری منطقه‌ای و محلی‌گرایی و از سوی دیگر مفهوم قدرتمند جهان‌گرایی و مسؤولیت‌های سیاسی جهانی که همچنان شهروندی را در معرض تغییر و تحول قرار داده است (ترنر، ۱۹۹۰: ۲۱۱) در دوره مدرن مارشال با اعطای حقوق سه‌گانه سیاسی، مدنی و اجتماعی و در دوره پسامدرن ترنر با حقوق انسانی ظهور شهروندی جهانی را مطرح کرده است (شیانی، ۱۳۸۸: ۴۲).

شهروندی در ایران، پدیده‌ای نو و در حال تحقق است و تحقق کامل آن نیازمند پیش شرط‌ها و الزامات خاص است. «اصلی‌ترین مانع تحقق کامل شهروندی در ایران را می‌توان از یک سو به فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی در سطح کلان مربوط دانست که بر توانمندی جامعه برای پاسخگویی به نیازها و خواست‌های اعضای خود باز می‌گردد و از سوی دیگر به نبود آگاهی و شناخت، مهارت‌های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی مناسب، عدم مشارکت و حضور در فعالیت‌های داوطلبانه و نوع ارزش‌ها و نگرش‌های افراد که بر توانایی اعضای جامعه دلالت دارد. شهروندی واقعی، زمانی برای افراد جامعه به طور تمام تحقق می‌یابد که زمینه‌های عینی و ذهنی آن در جامعه فراهم شود» (نوروزی و همکار، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

به طور کلی، در جامعه امروز، رویکرد همه کشورهای پیشرفته در جهت احقاق حقوق شهروندی و دموکراسی مداری است. به عبارتی، موقعیت و منزلت هر فرد در جامعه مدرن به عنوان شهروند پذیرفته شده است و وی از حقوقی برخوردار است که به صورت مدون و روشن در قوانین جوامع مذکور تشریح گردیده است و از آن جمله می‌توان به مشارکت همه جانبه اعضای جامعه (به عنوان شهروند) در امور جامعه و تصمیم‌گیری در مسائل مختلف در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و سیاست اشاره کرد. جوامع جهان سوم و جوامع در حال گذار، چنین رویکردی نسبت به اعضای جامعه، شکل گرفته است اما با روندی آرام پیش می‌رود و گاه با توجه به شرایط حاکم بر این جوامع، با موانعی بر سر راه تحقق آن مواجه می‌باشد. از آن جا که کشور ایران نیز جزء جوامع در حال گذار است و تحقق کامل وضعیت شهروندی مطلوب، با نقصان‌هایی همراه است، لذا "وضعیت شهروندی" با تأکید ویژه بر اқشار تحصیل کرده و به طور اخص، قشر "جوانان دانشجوی" به عنوان یک مسأله مطرح و ضرورت بررسی دقیق این مسأله از سوی محقق احساس شده است. بنابراین سعی بر آن است وضعیت شهروندی دانشجویان دانشگاه پیام نور خراسان جنوبی از دیدگاه جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد.

۳- پیشینه تحقیق

پیتر کوتزیان^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان هنجارهای شهروندی: کاوشی در عوامل تعیین کننده هنجارها در سطوح سیستمی و فردی چنین نتایجی گرفت، هنجارهای شهروندی به دلیل تأثیر جدی آنها بر یکپارچگی اجتماعی و عملکرد دموکراسی باید به عنوان بایسته‌ی اجتماعی دموکراسی دیده شوند، وی به سراغ بررسی عواملی رفته است که در اهمیت یافتن هنجارها برای افراد جامعه نقش داشته‌اند. او هنجارهای شهروندی را به سه دسته تقسیم می‌کند: انسجام اجتماعی، وظیفه مدنی و درگیری مدنی. کوتزیان با کمک متغیرهای سطح سیستمی و تأثیر آنها بر هنجارهای شهروندی به مقایسه کشورهای مختلف با هم پرداخته است و با کمک سطوح فردی متغیرهای هنجاری درون کشورها را توضیح داده است. نخستین دستاورد کوتزیان در این کار پژوهشی معنادار درآمدن تمایز سه گانه درون متغیر وابسته بوده است. نتیجه دیگر این بوده است که متغیرهای مستقل تأثیرات یکسانی به لحاظ تجربی، بر سه دسته هنجاری نداشته‌اند و هر کدام تأثیرات مثبت و منفی متفاوتی روی هر دسته داشته‌اند.

سونجا ازمرلی^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان سرمایه اجتماعی و هنجارهای شهروندی: رابطه‌ای مبهم؟ رابطه سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی و گرایش به هنجارهای شهروندی (مشارکت، استقلال فردی، نظم اجتماعی و همبستگی اجتماعی) را بررسی کرده است. طبق یافته‌های او با وجود رابطه مثبت ابعاد سرمایه اجتماعی بر هنجارهای مشارکت و شهروندی اجتماعی، رابطه اعتماد و هنجارهای نظم اجتماعی و استقلال فردی پیچیده‌تر بوده است. براساس شواهد به دست آمده، افرادی با اعتماد پایین‌تر به دیگر شهروندان، مبتنی بر دیگری تعمیم یافته و اعتماد بالاتر به نهادهای سیاسی، بیشتر به هنجار نظم اجتماعی قائل بودند. به این ترتیب به نظر می‌رسد که افراد بی‌اعتماد به مردم، هنجار نظم اجتماعی را دقیقاً به این دلیل بسط داده‌اند که نمی‌توان به دیگران تعمیم یافته اعتماد کرد. پس باید قدرت قوانین دولتی را بالا برد و از دولت حمایت کرد. بدین ترتیب اعتماد و هنجار استقلال فردی نیز رابطه‌ای منفی، هرچند ضعیف‌تر داشته‌اند.

کافه و لیه^۳ (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان هنجارهای شهروندی در اروپای شرقی معتقد بودند که عموماً در پژوهش‌های اجتماعی، شهروندان اروپای شرقی سطح پایین‌تری از درگیری سیاسی-مدنی را نسبت به اروپای غربی و آمریکا نشان داده‌اند. در مقام طرح مسأله این طور بیان شده است که به‌طور نظری این تفاوت به عنوان ماحصل حضور چند دهه‌ای کمونیزم در این کشورهای توصیف شده است اما

1. Peter Katzian

2. Sonja Ezmerli

3. Hild Coffe & Van der Lippe

کار تجربی چندانی پیرامون پندار خود شهروندان اروپای غربی از هنجارهای شهروندی و تعریف ایشان از شهروندی خوب انجام نشده است. لذا در اینجا تعریف خود شهروندان، از شهروندی خوب در ۴ کشور اروپای شرقی یعنی جمهوری چک، مجارستان، لهستان و اسلونی مورد مطالعه قرار گرفته است. پایه کار نویسندگان این مقاله، تعریف دالتون از هنجارهای مبتنی بر وظیفه و درگیری شهروندی بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش در وهله نخست تفاوت معنادار در اهمیت هنجارها را در کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. به این ترتیب که شهروندان جمهوری چک، کمترین اهمیت را برای هر دو دسته هنجارها قائل بودند. شهروندان مجارستانی، تصویری سنتی از شهروندی داشته‌اند که مبتنی بر بعد وظیفه شهروندی بوده است. شهروندان اسلونی تصویری مدرن‌تر و بیشتر معطوف به درگیری شهروندی داشته‌اند و نهایتاً در نگاه شهروندان لهستانی هر دو جنبه دارای اهمیت بوده است.

(شیانی، ۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران: نگاهی بر مدیریت شهری، ضمن مرور تاریخی بر مفهوم شهروندی با استناد به یافته‌های پژوهش وضعیت شهروندی در شهر تهران را بررسی می‌کند. روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش و جامعه آماری آن را ساکنین ۱۵ سال به بالای شهر تهران، تشکیل می‌دهند. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. طبق تعریف شیانی «شهروندی موقعیت و منزلتی است که در بردارنده مجموعه حقوق و وظایف قانونی است و رفتارهایی در موقعیت قانونی و شرایط غیررسمی را شامل می‌شود» (شیانی، ۱۳۸۸: ۱۱). نتایج به دست آمده نشان می‌دهد شهروندی برای نسبت قابل توجهی از افراد معنادار و قابل درک نبوده و آگاهی نسبت به حقوق، عمل به وظایف و برخورداری از احساس شهروندی با عوامل بازدارنده‌ای در جامعه مواجه است. (هزارجریبی و همکار، ۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، انجام دادند. فرضیات تحقیق شامل وجود رابطه بین متغیرهایی چون میزان حضور در عرصه عمومی، نگرش به حقوق شهروندی، پایگاه اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی تدوین گردید. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان شاغل در شهرداری تهران بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند. در نهایت آنان به این نتیجه رسیدند که «شهروندی و فرهنگ شهروندی محصول و محمل تعهد و مسئولیت‌پذیری عناصر مختلف جامعه (دولت، حوزه خصوصی و حوزه عمومی) است؛ که همانا اعضای جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند، یعنی افراد و نهادهایی که دارای حق و تعهدات معینی هستند» (هزارجریبی و همکار، ۱۳۹۰: ۱۷)

(زارع، ۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان رفتارهای شهروندی در جامعه دینی، انجام داد. او معتقد است «در بحث شهروندی آنچه مهم به نظر می‌آید، ابعاد رفتاری آن است» (زارع، ۱۳۸۹: ۱۱۹). براساس یافته‌های این پژوهش در متون دینی اسلامی برای رفتار شهروندان مسلمان در جامعه دینی ابعاد و مؤلفه‌هایی معرفی

شده‌اند که در صورت عمل به آنها و نهادینه شدنشان در زندگی اجتماعی بشر، می‌توان دنیایی زیبا را به انتظار نشست که در آن طعم زندگی سالم احساس شود.

۴ - چهارچوب نظری تحقیق

چهارچوب نظری این تحقیق براساس آراء جامعه‌شناس انگلیسی آنتونی گیدنز در نظر گرفته شده است. مقوله شهروندی در آراء گیدنز مثل همه پدیده‌های اجتماعی دیگر با توجه به تأثیر متقابل عوامل سطح خرد و کلان تحلیل می‌شود. شهروندی در بردارنده حقوق و مسؤولیت‌ها در زندگی اجتماعی است، ایده‌ای که هم اعتبار فرد را به رسمیت می‌شناسد و هم به شرایط اجتماعی‌ای که فرد در آن دست به کنش می‌زند، توجه دارد. از این رو شهروندی مثال عالی از آن چیزی است که گیدنز آن را «دوگانگی عامل و ساختار» نامیده است. گیدنز در آثارش هویت شخصی مدرن را مورد تحلیل قرار داده و فرآیند هویت‌یابی در دوران مدرن را با توجه به تأثیرات متقابل و دوسویه افراد و ساختارهای اجتماعی تبیین کرده و تلاش می‌کند که بر شکاف میان فرد و جامعه یا کنش و ساختار فایق آید.

یکی از مضامینی که جایگاه مهمی در اندیشه گیدنز دارد، مفهوم بازاندیشی است که او آن را عنصر ذاتی جامعه مدرن می‌داند. منظور وی از بازاندیشی^۱، حساسیت و تأثیرگذاری بیشتر حوزه‌های فعالیت اجتماعی و تجدیدنظر مداوم در روش‌ها و نگرش‌ها براساس اطلاعات یا دانش‌های نوین است. این بازتابندگی و تجدیدنظرهای مداوم بر مفهوم «خود» تأثیر می‌گذارد. «خود» نیز مانند زمینه‌های نهادین وسیع‌تری که خود در آنها تحقق می‌یابد به طرزی بازاندیشانه ساخته و پرداخته می‌شود.

به نظر گیدنز لازم است برای دستیابی به یک جامعه مطلوب و دموکراتیک میان سه دسته عوامل تعادل برقرار شود. هرگاه این سه دسته عوامل از تعادل خارج شوند، جامعه با مشکل مواجه می‌شود. اول: برای هدایت و توسعه اجتماعی باید دولت باکفایتی وجود داشته باشد. دوم: یک اقتصاد مبتنی بر بازار، نیاز است که به حد کافی قوی باشد که به کامیابی اقتصادی معقول برسد. سوم، به طور قطع به جامعه مدنی نیاز است و بدون آن نمی‌توان دو عامل دیگر را متعادل کرد. بدون جامعه مدنی نمی‌توان فرهنگ دموکراتیک را ارتقا داد (گیدنز^۲، ۱۳۷۹: ۱۲۳). در اینجا نقطه آغاز برای گیدنز، سنجش درست ماهیت فردگرایی در جامعه کنونی است. بر این اساس فردگرایی با جمع‌گرایی متضاد دانسته نمی‌شود. در جهان بازاندیشانه گیدنز، یک فرد باید از درجه معینی از خودمختاری برخوردار باشد تا بتواند ادامه حیات بدهد و برای خود زندگی کند. این مسأله را باید به عنوان یک نوع خودمختاری آشتی‌جویانه و وابستگی متقابل

1. Reflexivity

2. Giddens

در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی در نظر آورد. این خودمختاری آشتی‌جویانه در پاره‌ای حقوق و تکالیف مشخص معنی پیدا می‌کند.

به باور گیدنز، زندگی اجتماعی امروزی علاوه بر بازتابندگی نهادین خود، با فرآیندهایی از سازماندهی مجدد زمان و فضا مشخص می‌شود. فرآیندهایی که همراه با گسترش روش‌های تکه‌برداری^۱ عمل می‌کند. منظور گیدنز از روش‌های تکه‌برداری، روش‌هایی است که روابط اجتماعی را از قید و بند ویژگی‌های محلی می‌رهاند و آنها را در فواصل زمان، فضایی دور دست از نو و با زمینه‌های اجتماعی دیگری ترکیب می‌کند. سازماندهی مجدد زمان و فضا بر ساختارهای تکه‌برداری، مختصات نهادین تجدد را ریشه‌دارتر می‌کند و محتوا و ماهیت زندگی روزمره را تغییر شکل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۷).

تجدد که به نظر او، نوعی نظم اجتماعی پس از نظام‌های سنتی است، با تغییر شکل فضا و زمان در ترکیب با راه و روش‌های تکه‌برداری، زندگی اجتماعی را از حیطه نفوذ احکام و تکالیف و کردارهای از پیش تعیین شده دور کرده‌است. این در واقع بافت کلی خصلت بازاندیشانه فراگیری است که عامل پویایی نهادهای عصر مدرن است.

جامعه‌شناس مدرن، تی.اچ. مارشال^۲ آغازگر رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی است (توسلی و همکار، ۱۳۸۳: ۳۷). حل چالش وجود طبقات اجتماعی و تفاوت‌های طبقاتی از سویی و ضرورت تقویت تعهدات اجتماعی سیاسی همه اعضای جامعه به نظام اجتماعی از سویی دیگر در طرح نظریه شهروندی مارشال بحث شده است. از دیدگاه مارشال، شهروندی نوعی منزلت اجتماعی است که جامعه آن را به تمام اعضایش اعطاء نموده است و به موجب آن تمام اعطاء از جایگاه حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند. مارشال این حقوق را به سه دسته‌ی حقوق مدنی (حق برخورداری از آزادی بیان، مالکیت، مذهب و عقیده)، حقوق سیاسی (حق برخورداری از رأی، عضویت و مشارکت سیاسی) و حقوق اجتماعی (حق برخورداری از رفاه، خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش، امنیت و تأمین اجتماعی) تقسیم‌بندی می‌کند (همان: ۴۰).

به نظر مارشال، جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی در غرب نشان می‌دهد که به موازات گسترش نهادسازی‌ها و بسترسازی‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی ما شاهد شکل‌گیری سه نوع بهم پیوسته از شهروندی یعنی مدنی، سیاسی و اجتماعی هستیم. در سده هفده و هجده، با تحول در نظام حقوقی و دسترسی به دادگاه‌ها و حق برخورداری از قضاوت عادلانه و منصفانه، شهروندی مدنی شکل گرفته است.

در سده هجده و نوزده نیز نهادسازی‌های دموکراتیک و تثبیت پارلمان، منجر به توسعه حقوق سیاسی و شهروندی سیاسی، یعنی حق همگانی برخورداری از رأی و عضویت در اجتماعات و مشارکت سیاسی شده است و نهایتاً با پیدایش دولت رفاه در سده بیستم، حق شهروندی اجتماعی، یعنی برخورداری از رفاه همگانی پدید آمده است. (مارشال ۱۹۹۴ به نقل از توسلی و همکار: ۱۳۸۳).

ژانوسکی^۱ با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی همچون مارشال به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی، حقوق شهروندی حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آنها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تایید می‌شوند و داری ضمانت اجرایی‌اند. وی به - طور کلی چهار نوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند (جانوسکی، ۱۹۹۸: ۲۸).

اگرچه مارشال الگوی مشروعیت حقوق شهروندی را با تأکید با وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه انگلیس ترسیم نموده، اما نظریه وی توسط دیگر جامعه‌شناسان همچون بریان ترنر (۱۹۸۶) مورد بهره - برداری قرار گرفته و تقویت شده است.

۵ - روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی پیمایشی^۲ می‌باشد. واحد تحلیل فرد و جامعه آماری عبارت‌اند از کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام‌نور در استان خراسان جنوبی که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ مشغول تحصیل بوده‌اند. تعداد این دانشجویان ۶۹۹۲ نفر است. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه جامعه آماری ۳۳۵ نفر به دست آمد. با توجه به اهداف تحقیق و ویژگی‌های جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شده است.

در این تحقیق، جامعه دانشجویان به دو طبقه زن و مرد تقسیم شدند. از داخل هر طبقه افرادی بر حسب نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. از آنجا که هدف مقایسه این دو گروه در گرایش به حقوق برابر شهروندی بوده است، در نتیجه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده نامتناسب بکار گرفته شده است تا از طریق افزودن بر سهم دانشجویان پسر، از نظر حجم نمونه لازم برای بررسی مقایسه‌ای مشکلی پیش نیاید. و برای گردآوری اطلاعات، از پرسشنامه مصاحبه‌ای استفاده کردیم.

1. Janoski

2. Survey

اعتبار تحقیق نیز، براساس اعتبار سازه برآورد شده است. همچنین روایی تحقیق براساس جدول آلفای کرونباخ برای متغیرهای بازاندیشی و گرایش به حقوق برابر شهروندی ۰/۷۸ به دست آمد.

۶- فرضیات تحقیق

هرچه میزان نواندیشی بالاتر باشد پس میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی ارتقاء می‌یابد. بین متغیر جنس و میزان بازاندیشی رابطه وجود دارد. بین متغیر جنس و گرایش به حقوق برابر شهروندی رابطه وجود دارد. فرضیه‌های مرتبط با متغیرهای ساختاری (زمینه‌ای):
- هرچه پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر باشد پس میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی نیز ارتقاء می‌یابد.
- بین محل سکونت و میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی رابطه وجود دارد.

۷- تعریف متغیرهای اصلی تحقیق

در این قسمت متغیرهای اصلی این پژوهش تعریف می‌شوند. مفاهیم اصلی عبارتند از: گرایش به حقوق برابر شهروندی، بازاندیشی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی.

۷-۱- گرایش به حقوق برابر شهروندی

بر مبنای تعاریف و اسناد حقوقی، حقوق شهروندی بر مجموعه حقوق در ابعاد مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی استوار است. حقوق مدنی بر آزادی‌های فردی تأکید دارد و از منظری خاص بیانگر منازعه تاریخی علیه قدرت خودکامه پادشاهی و مستبدان هستند. حقوق اجتماعی، بخش اساسی شهروندی در «مدل اجتماعی کینزی» در اوج رونق سرمایه‌داری در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۷۰ بوده است. در قالب این حقوق، نیاز به استانداردهای اجتماعی-اقتصادی برای تأمین مشارکت سیاسی ضروری به نظر می‌رسد. تنوع قومی- فرهنگی فزاینده‌ای که با جهانی شدن همراه است، حقوق فرهنگی را به جزئی ضروری برای شهروندی تبدیل کرده است. این حقوق شامل موارد زیر است: حق حفظ زبان‌ها و فرهنگ اقلیت، حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های متفاوت زندگی (در داخل چارچوب عمومی قانون که بر تعصب فرهنگی مبتنی نیست)، دستیابی کامل به زبان و فرهنگ اکثریت. حقوق جنسیتی بر محور «حذف هرگونه تبعیض علیه زنان» مطرح شده است. حقوق جنسیتی در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی برای

رفع تبعیض از زنان در نظر گرفته می‌شود (کاستلز و همکار^۱ ۱۳۸۳: ۲۱۷-۲۱۶). در این مطالعه، بررسی گرایش به حقوق برابر شهروندی در ابعاد مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جنسیتی مورد نظر است.

۷-۲- میزان بازانديشی

منظور از بازانديشی حساسیت و تأثیرپذیری بیشتر حوزه های فعالیت اجتماعی و تجدید نظر مداوم در روش‌ها و نگرش‌ها براساس اطلاعات یا دانش نوین است. بازانديشی عنصر بنیانی تجدد است. این بازانديشی و تجدید نظرهای مداوم بر مفهوم خود نیز تأثیر می‌گذارد. در مدرنیته متاخر مفهوم خود همانند زمینه های نهادین وسیعی که خود در آنها بنابراین بازانديشی، گفتگوی فرد با خویشان یا با تحقق می‌یابد به طرزی بازانديشانه ساخته می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱)

۷-۳- پایگاه اجتماعی- اقتصادی

پایگاه اجتماعی موقعیتی است که فرد یا گروه در یک نظام اجتماعی در مقایسه با دیگران دارد و تعیین کننده حقوق و وظایف انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی است. پایگاه مبنایی چون آموزش، ثروت و درآمد دارد (ساروخانی ۱۳۷۵: ۱۷۵) به لحاظ عملیاتی، برای سنجش و تعیین پایگاه اجتماعی اقتصادی پاسخگو از گویه‌های تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر و درآمد تقریبی خانواده در ماه استفاده شده است.

۸- یافته‌های تحقیق

- در این تحقیق ۳۵/۷ درصد از پاسخگویان را مردان و ۶۴/۳ درصد از آنها را زنان تشکیل داده‌اند.
- از نظر گروه سنی بیشتر پاسخگویان ۵۷/۶ درصد را افراد بین ۲۰ تا ۲۴ سال و کمترین آنها ۱/۱ درصد ۳۵ سال به بالا تشکیل داده‌اند.
- از نظر وضعیت تأهل ۲۹/۲ درصد متأهلین و ۷۰ درصد پاسخگویان را مجردین تشکیل می‌دهند که دانشجویان مجرد بیشترین فراوانی را دارا هستند.
- از نظر محل سکونت ۳۱/۱ درصد در مرکز استان، ۲۰/۹ درصد در شهرستان، ۲۳/۳ درصد در شهر و ۲۴/۱ درصد در روستا ساکن بوده‌اند.
- تحصیلات پدران ۵۰/۷ درصد از پاسخگویان، ابتدایی و پایین تر است. بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات ابتدایی است که ۳۳ درصد را شامل می‌شود. تحصیلات مادران ۳۳ درصد از پاسخگویان،

ابتدایی و پایین تر است. بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات ابتدایی است که ۲۴/۹ درصد را شامل می‌شود.

➤ از نظر وضعیت اشتغال پدر ۵۵ درصد شغل آزاد و کمترین آنها ۸/۶ درصد بازنشسته هستند. از نظر وضعیت اشتغال مادر اکثر آنها ۸۳/۴ درصد خانه دار و کمترین آنها ۰/۸ درصد بازنشسته بوده‌اند.

➤ از لحاظ رشته تحصیلی پاسخگویان ۶۱/۴ درصد رشته علوم انسانی، ۱۳/۱ درصد رشته علوم پایه، ۲۱/۷ درصد رشته فنی را دارند.

➤ از نظر وضعیت اشتغال اکثر پاسخگویان ۸۸/۷ درصد دانشجوی و ۰/۳ درصد یعنی کمترین آنها سرباز هستند.

➤ از نظر میزان درآمد خانواده نیز بیشترین میزان ۳۹/۴ درصد مربوط به درآمد ۷۰۰ هزار تومان به بالا و کمترین ۲/۱ درصد درآمد زیر ۱۰۰ هزار تومان دارند.

➤ از نظر میزان گرایش به حقوق شهروندی اطلاعات بدست آمده سطح متوسط ۶۱/۷ درصد، ۳۷/۵ درصد سطح بالا و ۰/۸ درصد سطح پایین گرایش را نشان داد.

۹ - آزمون فرضیات تحقیق

آزمون فرضیه ۱

بین میزان باز اندیشی و میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی رابطه مستقیم وجود دارد. از آنجایی که سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی فاصله ای بوده لذا از آزمون رگرسیون خطی ساده مدل همزمان استفاده شده است.

جدول شماره ۱- معناداری مدل رگرسیون برای پیش بینی باز اندیشی

مدل	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	آماره F	مقدار احتمال
رگرسیون	۲۷۹۱/۵۹	۱	۲۷۸۱/۵۹	۵۳/۶۴	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۹۳۰۵/۷۲	۳۷۱	۵۲/۰۳		
کل	۲۲۰۹۷/۳۱	۳۷۲			

در نمونه مورد بررسی، ضریب همبستگی بین بازاندیشی با حقوق برابر شهروندی برابر با ۰/۳۵ است. به عبارتی، با توجه به مجذور R تعدیل شده، حقوق برابر شهروندی قادر است ۰/۱۲ تغییرات باز اندیشی دانشجویان را تبیین کند. باتوجه به جدول معناداری مدل رگرسیون چون مقدار احتمال یا سطح معناداری به دست آمده کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین نتایج به دست آمده قابل تعمیم به جامعه می‌باشد، به عبارتی فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود.

۹- آزمون فرضیه ۲

بین جنسیت و میزان بازاندیشی رابطه وجود دارد.

از آنجایی که سطح سنجش متغیر جنسیت اسمی (دو مقوله‌ای) و متغیر میزان بازاندیشی فاصله‌ای بوده لذا از آزمون تی گروه مستقل استفاده شده است. خروجی اول حاصل از آزمون تی- تست نشان می‌دهد که میانگین میزان باز اندیشی برای زنان ۵۰/۸۳ و برای پاسخگویان مرد ۵۰/۷۹ می‌باشد.

جدول شماره ۲- آماره های توصیفی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف از میانگین
زن	۲۴۰	۵۰/۸۳	۷/۰۴	۰/۴۵
مرد	۱۲۹	۵۰/۷۹	۸/۹۱	۰/۷۸

جدول شماره ۳- نتایج آزمون تی-تست مقایسه تفاوت میزان باز اندیشی بر حسب جنسیت

متغیر مستقل		آزمون لون برای برابری واریانس‌ها			مقدار آزمون تی- تست
باز اندیشی	F	Sig	t	df	Sig (2-tailed)
فرض برابری واریانس‌ها	۲/۳۵	۰/۱۲	۰/۰۴۱	۳۶۷	۰/۹۶
فرض نابرابری واریانس‌ها			۰/۰۳۸	۲۱۵/۲۳	۰/۹۶

مطابق اطلاعات موجود در خروجی دوم آزمون تی-تست، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون لون، بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا واریانس‌های بین دو گروه برابر می‌باشد و از سطر اول جهت تفسیر نتایج آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده می‌کنیم. براساس سطح معنی‌داری آزمون تی-تست ۰/۹۶ که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت که بین میانگین میزان باز اندیشی بین دو گروه مورد بررسی مردان و زنان از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. لذا فرضیه مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار بین مردان و زنان از نظر میزان باز اندیشی رد می‌شود.

۱۰- آزمون فرضیه ۳

بین جنسیت و گرایش به حقوق برابر شهروندی رابطه وجود دارد.

از آنجایی که سطح سنجش متغیر جنسیت اسمی (دو مقوله‌ای) و متغیر گرایش به حقوق برابر شهروندی فاصله‌ای بوده لذا از آزمون تی دو گروه مستقل استفاده شده است.

جدول شماره ۴-آماره‌های توصیفی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف از میانگین
زن	۲۴۰	۷۵/۱۸	۹/۳۰	۰/۶۰
مرد	۱۲۹	۷۴/۸۵	۱۰/۹۸	۰/۹۶

خروجی اول حاصل از آزمون تی- تست نشان می‌دهد که میانگین گرایش به حقوق برابر شهروندی برای زنان ۷۵/۱۵ و برای پاسخگویان مرد ۷۴/۸۵ می‌باشد. جدول زیر به سنجش معنی‌داری یا عدم معنی‌داری میانگین می‌پردازد.

جدول شماره ۵- نتایج آزمون تی-تست مقایسه تفاوت حقوق برابر شهروندی بر حسب جنسیت

متغیر مستقل	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		مقدار آزمونی - تست	
	F	sig	T	df (2-tailed)
حقوق برابر شهروندی	۶/۶۹	۰/۰۱۰	۰/۳۰	۳۶۷
فرض برابری واریانس‌ها				۰/۷۵
فرض نابرابری واریانس‌ها			۰/۲۹	۲۲۷/۶۱

مطابق اطلاعات موجود در خروجی دوم آزمون تی-تست، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون لون، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا واریانس‌های بین دو گروه نابرابر می‌باشد و از سطر دوم جهت تفسیر نتایج آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده می‌کنیم. براساس سطح معنی‌داری آزمون تی-تست ۰/۷۶ که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت که بین میانگین گرایش به حقوق برابر شهروندی بین دو گروه مورد بررسی مردان و زنان از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. لذا فرضیه مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار بین مردان و زنان از نظر گرایش به حقوق برابر شهروندی رد می‌شود.

۱۱- آزمون فرضیه ۴

بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی رابطه مستقیم وجود دارد. در این فرضیه با توجه به مؤلفه‌های هریک از متغیرها و سطوح سنجش آزمون‌های مناسب انتخاب گردید که در ذیل شرح داده شده است:

- بین تحصیلات والدین و میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول شماره ۶- آزمون تحلیل واریانس یکطرفه میانگین گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب تحصیلات مادر

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	نسبت F	df	سطح معنی داری
تحصیلات	بین گروهی	۷۸۳/۸۰	۱۵۶/۷۶	۱/۶۱	۵	۰/۱۵
مادر	درون گروهی	۳۴۲۲۷/۴۸	۹۶/۹۶		۳۵۳	
	کل	۳۵۰۱۱/۲۸			۳۵۸	

این جدول تفاوت بین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی بر حسب میزان تحصیلات مادر را نشان می‌دهد. نوع آزمون مناسب برای بررسی این تفاوت‌ها، براساس مقیاس متغیر مستقل (اسمی چندمقوله‌ای) و متغیر وابسته (فاصله‌ای) آزمون تحلیل واریانس یکطرفه است. با توجه به سطح معنی‌داری بدست آمده آزمون F، ۰/۱۵ که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا بین میانگین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب تحصیلات مادر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره ۷- آزمون تحلیل واریانس یکطرفه میانگین گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب تحصیلات پدر

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	نسبت F	Df	سطح معنی داری
تحصیلات پدر	بین گروهی	۱۶۲/۶۱	۲۷/۱۰	۰/۲۷	۶	۰/۹۴
	درون گروهی	۳۴۲۲۷/۶۶	۹۷/۳۶		۳۵۲	
	کل	۳۴۴۳۵/۲۸			۳۵۸	

این جدول تفاوت بین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی بر حسب میزان تحصیلات پدر را نشان می‌دهد. نوع آزمون مناسب برای بررسی تفاوت‌ها، براساس مقیاس متغیر مستقل (اسمی چندمقوله‌ای) و متغیر وابسته (فاصله‌ای) آزمون تحلیل واریانس یکطرفه است. خروجی بدست‌آمده از تحلیل واریانس موجود در جدول نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری بدست آمده آزمون F، ۰/۹۴ که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا بین میانگین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب تحصیلات پدر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

- بین وضعیت اشتغال والدین و میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی

جدول شماره ۸ - آزمون تحلیل واریانس یکطرفه میانگین گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب شغل پدر

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	نسبت F	df	سطح- معنی داری
شغل پدر	بین گروهی	۴۳۶/۱۰	۱۴۵/۳۶	۱/۴۹	۳	۰/۲۱
	درون گروهی	۳۳۴۹۱/۶۰	۹۷/۳۵		۳۴۴	
	کل	۳۳۹۲۷/۷۱			۳۴۷	

این جدول تفاوت بین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی بر حسب شغل پدر را نشان می‌دهد. نوع آزمون مناسب برای بررسی این تفاوت‌ها، براساس مقیاس متغیر مستقل (اسمی چندمقوله‌ای) و متغیر وابسته (فاصله‌ای) آزمون تحلیل واریانس یکطرفه است. با توجه به سطح معنی داری بدست آمده آزمون F، ۰/۲۱ که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا بین میانگین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب شغل پدر تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول شماره ۹ - آزمون تحلیل واریانس یکطرفه میانگین گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب شغل مادر

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	نسبت F	df	سطح- معنی داری
شغل مادر	بین گروهی	۱۹۷/۳۶	۶۵/۷۸	۰/۶۷	۳	۰/۵۷
	درون گروهی	۳۴۴۸۶/۶۲	۹۸/۲۵		۳۵۱	
	کل	۳۴۶۸۳/۹۸			۳۵۴	

این جدول تفاوت بین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی بر حسب شغل مادر را نشان می‌دهد. نوع آزمون مناسب برای بررسی تفاوت‌ها، براساس مقیاس متغیر مستقل (اسمی چندمقوله‌ای) و متغیر وابسته (فاصله‌ای) آزمون تحلیل واریانس یکطرفه است. با توجه به سطح معنی داری بدست آمده آزمون F، ۰/۵۷ که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا بین میانگین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب شغل مادر تفاوت معنی داری وجود ندارد.

- بین میزان هزینه‌ی زندگی و میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی

جدول شماره ۱۰ - بررسی ضریب همبستگی بین گرایش به حقوق برابر شهروندی برحسب هزینه زندگی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
هزینه زندگی	گرایش به حقوق برابر شهروندی	-۰/۰۱۰	۰/۸۶

این جدول تفاوت بین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی بر حسب میزان هزینه زندگی را نشان می‌دهد. نوع آزمون مناسب برای بررسی این تفاوت‌ها، براساس مقیاس متغیر مستقل و متغیر وابسته (فاصله‌ای) از ضریب همبستگی پیرسون کمک گرفته شد. همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد میزان

همبستگی بین هزینه زندگی و گرایش به حقوق برابر شهروندی (۰/۱۰-) و سطح معنی داری ۰/۸۶ که بیشتر از ۰/۰۵ است بنابراین بین دو متغیر رابطه معنی داری وجود ندارد لذا فرضیه مربوطه رد می‌گردد.

۱۲-آزمون فرضیه ۵

بین محل سکونت (مرکز استان، روستا و شهرهای دیگر استان) و میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی رابطه -

وجود دارد.

جدول شماره ۱۱ - آزمون تحلیل واریانس یکطرفه میانگین گرایش به حقوق برابر شهروندی بر حسب محل سکونت

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	نسبت F	df	سطح- معنی داری
محل سکونت	بین گروهی	۳۲۱/۹۷	۱۰۷/۳۲	۱/۰۹	۳	۰/۳۵
	درون گروهی	۳۶۰۹۶/۴۳	۹۸/۳۵		۳۶۷	
	کل	۳۶۴۱۸/۴۱			۳۷۰	

این جدول تفاوت بین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی بر حسب محل سکونت را نشان می‌دهد. نوع آزمون مناسب برای بررسی تفاوت‌ها، بر اساس مقیاس متغیر مستقل (اسمی چندمقوله‌ای) و متغیر وابسته (فاصله‌ای) آزمون تحلیل واریانس یکطرفه است. خروجی بدست آمده از تحلیل واریانس موجود نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری بدست آمده آزمون F، ۰/۳۵ که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا بین میانگین میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی بر حسب محل سکونت پاسخگویان تفاوت معنی داری وجود ندارد بنابراین فرضیه هشت پژوهش رد می‌گردد.

با توجه به توصیف، تبیین و تحلیل داده‌های پژوهش وضعیت شهروندی را می‌توانیم چنین تصور کنیم که در بین دانشجویان دانشگاه پیام‌نور خراسان جنوبی، حقوق برابر شهروندی قادر است، تغییرات بازاندهی دانشجویان را تبیین کند این نتایج را می‌توان به جامعه بزرگ‌تر نیز تعمیم دهیم. حقوق شهروندی بر مجموعه حقوق در ابعاد مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی استوار است. از آنجایی که شهروندی یکی از ملاک‌های عمده دموکراسی در جوامع امروزی به شمار می‌آید ارتقای حقوق شهروندی از اولویت‌های مهم در این پژوهش به دست آمد. که بر طبق فرضیات این تحقیق هرچه حساسیت و تأثیرپذیری بیشتر حوزه‌های فعالیت اجتماعی و تجدید نظر مداوم در روش‌ها و نگرش‌ها بر اساس اطلاعات یا دانش نوین یعنی همان بازاندهی؛ بیشتر باشد، حقوق شهروندی ارتقاء می‌یابد.

۱۲ - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر، وضعیت شهروندی دانشجویان را در دانشگاه پیام نور خراسان جنوبی از نظر جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار داده است. مقوله شهروندی در این پژوهش با توجه به تأثیر متقابل عوامل سطح خرد و کلان تحلیل شده است. شهروندی در بردارنده حقوق و مسئولیت‌ها در زندگی اجتماعی است، ایده‌ای که هم اعتبار فرد را به رسمیت می‌شناسد و هم به شرایط اجتماعی‌ای که فرد در آن دست به کنش می‌زند، توجه دارد. از این رو شهروندی مثال عالی از آن چیزی است که گیدنز آن را «دوگانگی عامل و ساختار» نامیده است. گیدنز در آثارش هویت شخصی مدرن را مورد تحلیل قرار داده و فرآیند هویت‌یابی در دوران مدرن را با توجه به تأثیرات متقابل و دوسویه افراد و ساختارهای اجتماعی تبیین کرده و تلاش می‌کند که بر شکاف میان فرد و جامعه یا کنش و ساختار فایق آید. نقطه آغاز برای گیدنز، سنجش درست ماهیت فردگرایی در جامعه کنونی است. بر این اساس فردگرایی با جمع‌گرایی متضاد دانسته نمی‌شود. در جهان بازاندیشانه گیدنز، یک فرد باید از درجه معینی از خودمختاری برخوردار باشد تا بتواند ادامه حیات بدهد و برای خود زندگی کند.

این مسأله را باید به عنوان یک نوع خودمختاری آشتی‌جویانه و وابستگی متقابل در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی در نظر آورد. این خودمختاری آشتی‌جویانه در پاره‌ای حقوق و تکالیف مشخص معنی پیدا می‌کند.

به باور گیدنز، زندگی اجتماعی امروزین علاوه بر بازتابندگی نهادین خود، با فرآیندهایی از سازماندهی مجدد زمان و فضا مشخص می‌شود. فرآیندهایی که همراه با گسترش روش‌های تکه‌برداری عمل می‌کند. منظور گیدنز از روش‌های تکه‌برداری، روش‌هایی است که روابط اجتماعی را از قید و بند ویژگی‌های محلی می‌رهاند و آنها را در فواصل زمان - فضایی دور دست از نو و با زمینه‌های اجتماعی دیگری ترکیب می‌کند.

سازماندهی مجدد زمان و فضا بر ساختارهای تکه‌برداری، مختصات نهادین تجدد را ریشه‌دارتر می‌کند و محتوا و ماهیت زندگی روزمره را تغییر شکل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۷).

باتوجه به چارچوب نظری این پژوهش، آنتونی گیدنز معتقد است، عنصر مهم در جامعه مدرن بازاندیشی است و باز اندیشی نقش اثرگذار بر خود داشته و زمینه‌های نهادینه شدن خود را فراهم می‌نماید. از دیدگاه آنتونی گیدنز گرایش به حقوق برابر شهروندی از متغیرهای سطح خرد یعنی سبک زندگی و بازاندیشی متأثر است که در این پژوهش رابطه بین میزان نواندیشی و گرایش به حقوق برابر شهروندی

بررسی شد. نتایج بدست آمده از فرضیه یک، حاکی از وجود رابطه معنی دار بین میزان نواندیشی و گرایش به حقوق برابر شهروندی است. نتایج این تحقیق نظریه گیدنز در مورد بازاندیشی و شهروندی را تأیید می‌کند.

پس از مطالعه و بررسی آراء متفکران و همچنین نتایج تحقیقات، راهکارهایی از طرف محقق برای وضعیت شهروندی دانشجویان که در بخش بعدی قابل مطالعه می‌باشد.

۱۳- پیشنهادها

- ایجاد آموزش‌های مستمر و نهادینه شده حقوق شهروندی در دوران دانشجویی.
- آموزش مهارت‌های زندگی شهروند محوری به دانشجویان دانشگاه
- حرکت از سمت نظریه پردازی به سطح رفتار عملی شهروند محوری در دانشگاه و جامعه.
- ضرورت ایجاد یک دیدگاه اخلاقی و فرهنگی همه جانبه در آموزش‌های رسمی و غیر رسمی شهروندی در دانشگاه
- ضرورت بازآموزی تعالیم "فرهنگی- اجتماعی- روانی - حقوقی- سیاسی" شهروندی در حوزه دانش عمومی دانشگاه از طریق برنامه‌ریزی‌های علمی و تخصصی در طی سال به صورت مستمر در قالب هم اندیشی‌ها- همایش‌ها- کارگاه‌های آموزشی و عملی- انتشارات- برنامه‌های آگاه سازی ایجادکرد.
- تلاش در جهت هدایت پژوهش‌های خردنگر در سطوح محلی- منطقه‌ای و حتی کلان نگر در سطح ملی برای شناخت سازوکارهای پارامتری آموزش شهروندی در دانشگاه‌ها.
- تعامل و همکاری فرهنگی و اجتماعی دانشگاه با سایر متولیان حقوق شهروندی جهت تأثیرگذاری رفتارهای شهروند مداری در سطح دانشگاه و جامعه.
- باید در آموزه‌های حقوق شهروندی برای دانشجویان به نیازسنجی هویتی آنان توجه شود.
- در آموزش حقوق شهروندی دانشگاه سرفصل‌های فرهنگ شهروندی چون " مساوات طلبی- آزادی- جمع گرایی- فرد گرایی-مردم سالاری- مسؤولیت‌پذیری مدنی- مددکاری- حمایت اجتماعی- مشارکت همه جانبه و..." مورد حمایت و تعلیم قرار گیرد.
- با توجه به اینکه آموزش حقوق شهروندی پدیده‌ای پویا ست پس لازم است در جهت شهروندی فعال دانشجویان در تمام زمینه‌های اخلاق شهروندی تمام دستگاه‌های اجرایی بر پایه آرمان‌های "ایدئولوژی اسلامی- ایرانی - جهانی" فعالیت و سرمایه‌گذاری کنند.
- آموزش‌های حقوق شهروندی در دانشگاه باید در راستای "خلاقیت‌ها- ابتکارها- خودشکوفایی" شهروندان و رفع نیازهای پایدار و همه جانبه دانشجویان صورت گیرد.

- با توجه به اینکه جامعه ایران از تنوع فرهنگی و قومی در زندگی اجتماعی و فرهنگی برخوردارست، باید آموزش‌های شهروندی را یک سازه فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت که متناسب با رویکردهای ارزشی، بومی و محلی آن خرده فرهنگ شهروندی در دانشگاه نهادینه نمود.

فهرست منابع

۱. برخورداری، مهین، جمشیدیان، عبدالرسول، (۱۳۸۷)، تربیت شهروندی (باتأکید بر مؤلفه‌ها)، انتشارات جهاد دانشگاهی، اصفهان، چاپ اول.
۲. پیران، پرویز (۱۳۸۰)، مقدمه تشریحی، تحقیق پایه ای منشور شهر تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران
۳. توسلی، غلامعباس و سید محمود نجاتی حسینی، (۱۳۸۳)، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، سال ۵، شماره ۲، صص ۶۲-۳۲. قابل دسترس در www.sid.ir
۴. ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۲)، جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۳ و ۴.
۵. زارع، حمید، (۱۳۸۹)، رفتارهای شهروندی در جامعه دینی، فلسفه دین، سال هفتم، شماره هفتم، صص ۱۴۲-۱۱۹
۶. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی جلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ اول.
۷. شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)، تحلیلی بر وضعیت شهروندی در تهران: نگاهی نو بر مدیریت شهری، انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲، دوره سوم، پیاپی ۶ قابل دسترس www.sid.ir.
۸. شیانی، ملیحه، (۱۳۸۱)، شهروندی و رفاه اجتماعی، مجله رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴، صص ۲۴-۹ قابل دسترس www.sid.ir.
۹. شیانی، ملیحه، (۱۳۸۸)، تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران (نگاهی بر مدیریت شهری)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۲.
۱۰. فالکس، کیث، (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، جلد اول، انتشارات کویر، تهران.

۱۱. کاستلز، استفان، دیوید سون، آلستر، (۱۳۸۲)، مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی لو، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، تهران، چاپ اول.
۱۲. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۹)، جهان رها شده، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، نشر علم و ادب.
۱۳. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، نشر نی، تهران.
۱۴. موسوی، سید یعقوب، (۱۳۹۱). درآمدی بر بنیادهای حقوق شهروندی در شهر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، چاپ اول.
۱۵. نوروزی، فیض الله، گل پرور، مونا، (۱۳۹۰)، بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، دوره تابستان، صص ۱۹۰-۱۶۷. قابل دسترس www.sid.ir.
۱۶. هزارجریبی، جعفر و ابوالفضل امانیان، (۱۳۹۰)، آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره نهم، صص ۱ - ۱۸ قابل دسترس www.sid.ir.
17. Coffe, Hild & Van der Lippe, T. (2009). *Citizenship norms in Eastern Europe*. Springer.
18. Ezmerli, S. (2010) Social capital and norms of citizenship: an ambiguous relationship? *American Behavioural Scientist*, 53,657, London: Sage
19. Janoski, T. (1998). *Citizenship civil society*. Cambridge University.
20. Katzian, P. (2009). *Norms of Citizenship (Their Patterns , Determinants, and effects in a cross-national perspective)*. University of Darmstadt, Institute of Political Science
21. Marshal. T.H. (1994) *Citizenship and social class chap in B.S Turner and P.Hamilton* (Eds). *Citizenship*, Rulledge, vol 2, chap 29.
22. Terner, B.S. (1986). *Citizenship and Social Theory*, SAGE

-
23. Turner, B.S (1990). Out of a theory of citizenship. *Sociology vol.24*